



شیعیان و فرقه های علمی در بالکان *

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* محمد قربانیپور دلاور، کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص).
Delavar۳۵۴@gmail.com - تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۳۰ تاریخ تصویب: ۹۲/۸/۱۴

چکیده

شبه جزیره بالکان (در اروپای جنوب شرقی) یکی از مناطقی است که محل حضور پیروان ادیان و فرهنگ‌های متعدد می‌باشد و به عنوان پلی میان شرق و غرب، همیشه مورد توجه تمدن‌ها بوده است. پراکندگی اقوام مختلف با زبان‌ها، آیین‌ها، اعتقادات، فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف در حوزه بالکان، وجود مسلمانان بومی و فرقه‌های علوی و همزیستی مسالمت آمیز آنان با یکدیگر و با سایر پیروان ادیان، وجود زمینه‌های مساعد جهت حضور و مشارکت فعال و همکاری موثر نهادهای فرهنگی، پیشینه حضور فرهنگی ایران و جایگاه زبان و ادب فارسی در منطقه و بسیاری از نکات دیگر، از برجستگی‌های ممتاز اروپای شرق و بالکان است که ضرورت دارد به منظور معرفی وضعیت این جمعیت اثرگذار در منطقه، مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اروپای جنوب شرق، بالکان، مسلمانان، شیعیان، فرقه‌های علوی،

ظرفیت‌ها

مقدمه

موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک بالکان به عنوان دروازه ورود به غرب، روند رو به رشد پیوستن برخی کشورها به اتحادیه اروپا و نقش عمده این منطقه در معادلات جهانی، تنوع قومی و فرهنگی در منطقه و حضور پیروان ادیان و فرهنگ‌های متعدد و همزیستی مسالمت‌آمیز بین آنان، حضور و اعمال نفوذ کشورهای بزرگ در بالکان در عرصه‌های مختلف، قدمت بیش از هزار ساله اسلام و تشیع و علویان و وجود تعاملات مثبت با شخصیت‌ها و مراکز موثر علوی در این منطقه و امکان توسعه و تعمیق ارتباطات، وجود کشورهای هم‌چون آلبانی و کوزوو، بوسنی، مقدونیه و بلغارستان با مسلمانان بومی، وجود گرایش معنوی و عاطفی به اهل بیت علیهم‌السلام و علاقه‌مندی آنان به آثار حکمای اسلامی و عرفانی و مفاخر ادبی فارسی، و قرابت فرهنگی و نژادی بین ایران و برخی از اقوام بالکان، از نکات برجسته‌ای است که ضرورت انجام مطالعات دقیق و آکادمیک و منطبق با واقعیت‌های منطقه بالکان را محرز می‌نماید. به یقین بررسی دقیق وضعیت مسلمانان و به ویژه شیعیان و علویان منطقه بالکان، گامی مهم در راستای برنامه‌ریزی جهت تعامل بیش از پیش با آنان محسوب می‌گردد.

این مقاله حاصل مطالعات میدانی، مشاهدات عینی و تحقیقات کتابخانه‌ای است که به روش تحلیلی - توصیفی، به ظرفیت‌ها و فرصت‌های پیش رو پرداخته و اطلاعات مبتنی بر آمار، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. امید می‌رود که بتواند در راستای معرفی و شناخت شیعیان این منطقه مهم از جهان و بهره‌برداری از فرصت‌های فراوان موجود، برای پژوهشگران و علاقه‌مندان، مؤثر واقع گردد.

۱. موقعیت جغرافیایی و نام بالکان

بالکان شبه جزیره‌ای است در جنوب شرقی اروپا که از شرق به دریای سیاه، از غرب به دریای ادریاتیک، از جنوب به دریای مدیترانه، و از شمال به رودخانه‌های

دانوب و ساوا و کوپا محصور شده است.^۱ نام بالکان که در زبان ترکی به صورت «بالقان» یا «بلقان» آمده، به رشته کوه‌هایی که به نام هایموس در سرزمین یونان قرار داشته، اطلاق می‌شود. ترکان عثمانی در پی نفوذ در قاره اروپا و تصرف منطقه بالکان، آن را روم ایلی نامیدند. دریای مرمره و تنگه بسفر و داردانل، این شبه جزیره را از آسیای صغیر جدا می‌کند.^۲ منطقه بالکان به کشورهای رومانی، آلبانی، صربستان، کرواسی، بوسنی و هرزگوین، مقدونیه، بلغارستان، یونان و بخش اروپایی ترکیه اطلاق می‌شود و مساحت آن ۷۲۸/۰۰۰ کیلومتر مربع و دارای جمعیتی بالغ بر ۵۳ میلیون نفر می‌باشد.

هم‌چنین گفته شده نام بالکان از رشته کوه‌های بالکان گرفته شده که از مرکز بلغارستان تا بخش شرقی صربستان کشیده شده است. اصل این نام از زبان‌های ترک‌تبار آمده و به معنی «رشته‌ای از کوه‌های چوبین» است. ترایان استویا نویچ اندیشمند صربی معتقد است که واژه بالکان ریشه پارتی دارد و به معنای خانه مرتفع و یا کوه مرتفع است. این واژه از زبان پارسی به زبان ترکی و سپس به زبان صربی انتقال یافته است. واژه بالکان برای اولین بار در سده ۱۹ توسط «یوهان آگوست سوینه» جغرافی دان آلمانی مورد استفاده قرار گرفت. «جرج توماس کپل مایور» در سال ۱۸۳۱ کتابی را به نام «یادداشت‌هایی پیرامون سفر به بالکان» تألیف کرد. منطقه‌ای که وی به نام بالکان ذکر می‌کند، در گذشته نام دیگری نداشت.^۳

۱-۱. دین و مذهب

وجود اقوام، زبان‌ها و گروه‌های مذهبی متعدد، ویژگی خاصی را به این منطقه بخشیده است. تجزیه مسیحیت در سال ۱۰۵۴ میلادی، مذاهب کاتولیک و ارتدوکس بالکان را همواره دستخوش تحولات کرده است. یونانی‌ها، بلغاری‌ها و صرب‌ها در بخش جنوبی، شرقی و مرکزی بالکان پیرو مذهب ارتدوکس و کروات‌ها و اسلونی‌ها در بخش غربی،

۱. History of the Balkans, p۱

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۲۵۶؛ دانشنامه دانش‌گستر، ج ۳، ص ۷۸۴.

۳. ترایان استویا نویچ، مقاله مطالبی درباره بالکان، مجله کنیزونی گلاسینک - مارس، آوریل/۲۰۰۱، چاپ بلغراد، ص ۹۳.

کاتولیک هستند. این تقسیم‌بندی، دو بخش یاد شده را به دو جهان متفاوت دینی تقسیم کرده است.^۱ مردم بالکان را از دیدگاه دینی و مذهبی می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱. گروه مسیحیان ارتدوکس شامل یونانی‌ها، صرب‌ها، بلغارها، رومانیایی‌ها، مقدونییایی‌ها و اهالی قراداغ؛^۲ مسلمانان که حدود ۱۵٪ جمعیت شبه‌جزیره بالکان را تشکیل می‌دهند و شمار آنان حدود ۹ میلیون نفر است؛ با این تفاوت که شمار مسلمانان منطقه تراکیای بالکان که اکنون بخشی از کشور ترکیه است، به تنهایی متجاوز از ۱۵ میلیون نفر است.^۳ مسیحیان کاتولیک که شمار آنان را میان ۴ تا ۵ میلیون نفر تخمین زده‌اند.

اروپای شرقی و شبه جزیره بالکان به لحاظ ارتباطات تاریخی با آسیای غربی و به ویژه در زمان تسلط امپراتوری عظیم عثمانی در نیمه دوم قرن ۱۹ تا اوایل قرن ۲۰، از گسترش سریع آیین اسلام برخوردار بوده است.

به‌طور کلی در کشورهای شرق اروپا، از جمله کشورهای عضو حوزه بالکان، مسلمانان بومی با ریشه‌های چند صد ساله زندگی می‌کنند؛ در حالی که در غرب اروپا، جمعیت مسلمانان را بیشتر مهاجرانی تشکیل می‌دهند که از دهه ۱۹۶۰ میلادی به این سو، به قاره اروپا، مهاجرت کرده‌اند.

۲-۱. جایگاه بین‌المللی

منطقه بالکان همواره به عنوان یکی از مناطق مهم امنیتی، راهبردی و اقتصادی در نظام بین‌الملل، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، به گونه‌ای که در طول قرن‌های اخیر، پیوسته مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی بوده و از تجاوز آنها در امان نمانده است. بالکان به عنوان قسمتی از دیوار عظیم دریایی مابین اروپا و آسیا شناخته شده است. این دیوار عظیم دریایی، کشورهای اسکانندیناوی، ایتالیا، یونان و شبه جزیره بالکان را در برداشته و به سمت آسیا ادامه می‌یابد. این منطقه از لحاظ تاریخی یکی از مناطق مهم مرکزی، (از جهت حوادث تاریخی سه قرن گذشته) و در حقیقت راه ارتباطی شرق و غرب، بوده و

این جایگاه از زمان مداخله روسیه در حوادث اروپا و از زمان سقوط خلافت عثمانی، ایجاد شده است.

شبه جزیره بالکان از هزاران سال پیش، گذرگاه نقل و انتقال مردم محسوب می‌شده است. برخی از مورخان و باستان‌شناسان بر این عقیده‌اند که مردم بالکان همواره روابط تجاری گسترده‌ای با سایر ملل داشته‌اند. ملل ساکن بالکان از طریق جاده ابریشم با ایران و چین در شرق ارتباط برقرار کرده بودند. این ارتباطات علاوه بر خشکی، از طریق دریا نیز امکان‌پذیر بوده و است، از این رو روابطی دوجانبه و مستحکم در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی بین آنان و سایر ملل در شرق و غرب برقرار بود.^۱

۲. اسلام در بالکان

در خصوص ورود مسلمانان و آیین اسلام به شبه جزیره بالکان، اقوال و نظرات متعددی وجود دارد که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

برخی بر این عقیده‌اند که: مسلمانان نخستین‌بار با فتح جزیره سیسیل در دوران حکومت فاطمیون و در قرون نخست هجری، وارد منطقه بالکان شده‌اند.^۲ و قرن‌ها پیش در منطقه بالکان، زندگی کرده‌اند. با این همه، علاوه بر افت و خیز حضور اجتماعی و سیاسی مسلمانان در طول اعصار، که در اسپانیا، سیسیل و بالکان از همه چشمگیرتر بوده است، جوانبی از تمدن اسلامی، به استغنا میراث فکری، هنری و سایر منابع فرهنگی اروپای غربی کمک کرده است.^۳

گروهی گفته‌اند: ایرانیان (عارفان، صوفیان و تجار) موجب گسترش اسلام در منطقه بالکان شدند و وجود تکایا و خانقاهها با قدمت تا هزار سال و همچنین کتاب‌ها و نسخه‌های خطی فراوانی به زبان‌های ترکی و فارسی در کتاب‌خانه قاضی خسرویگ سارایوو و یا مدرسه علوم دینی علاءالدین ثانویه در «کوزوو» را دلیل این مدعا، ذکر

۱. ضیایی، علی اکبر، سرزمین عقاب‌ها، بنیاد اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.

۲. برنارد لوئیس، نخستین مسلمانان در اروپا، ترجمه م. قائد، نشر مرکز، سال ۱۳۷۴، ص ۲۸.

۳. استیون ورتووک، سری پیچ، اسلام در اروپا، ترجمه کاووس سیدامامی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، سال ۱۳۸۰، ص ۴۳.

می‌کنند. همچنین وجود نسخه های خطی فارسی با محتوای دینی مربوط به قرون گذشته در تکایای قدیمی آلبانی می‌تواند دلیل این ادعا باشد.^۱

با توجه به این که جاده ابریشم تا شهر دوبرونیک امتداد داشت پیش از ورود فاطمیون به بوسنی، تجار ایرانی به منطقه نفوذ کرده بودند و ایرانیان آثار ماندگاری در فرهنگ منطقه به جا گذاشته بودند. همچنین حمله مغول به ایران باعث مهاجرت تجار، عرفا و علمای ایرانی به قونیه می‌شود و از این طریق، فرهنگ ایرانی به کمک تاجران، فرقه های مذهبی و مبلغان دینی گسترش می‌یابد.

برخی دیگر معتقدند که اسلام در اروپای شرقی، مدت ها پیش از تهاجم عثمانی، آغاز به نشر کرده بود.^۲ گزارش های بر جای مانده از سال ۱۳۹۶م. نشان می‌دهد که در معدن فلز گلوهویتیسی نزدیک شهر نوی بازار در جنوب صربستان امروزی، مسلمانان ساکن بودند و قاضی داشتند. نخستین مسجد در بوسنی، در دهه سی سده پانزدهم میلادی. در اوستیکولینا بنا شد. نیز حاکم شناخته شده اسکویپیه، عیسی بیگ فرزند اسحاق بیگ، با ساخت مسجدی شکوهمند به سال ۱۴۵۷م. با نام مسجد قیصر، یا جامع عتیق مطابق مکتوبات قدیم ترکی.^۳

عمر باشیچ مفتی زاگرب که خود محقق برجسته‌ای در مسائل تاریخ منطقه است، در اواخر دهه ۹۰ می‌گوید: قبل از ورود ترک‌های عثمانی به منطقه، شمار زیادی از مردم این منطقه مسلمان (شیعه) بوده‌اند و نخستین گروه مسلمانان این ناحیه که تحت تأثیر ایران قرار داشتند، شیعیان پیرو مذهب اسماعیلیه بودند.^۴

عقیده دیگر این که فرمانروایان عثمانی از سده ۱۴م، پیشروی خود به سوی شبه جزیره بالکان و جنوب شرقی اروپا را آغاز کردند. قبل از عثمانی‌ها، گروهی از ترکمن‌های عشیره‌ی ساری سالتوق که در برابر هجوم مغول از خراسان فرار کرده بودند، در سده

۱. قربانپور، محمد، اسلام و مسلمانان بالکان، طوبای محبت، ۱۳۹۱، ص ۲۱

۲. کتانی، علی، اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز، ترجمه محمد حسین آریا، نشر امیرکبیر، سال ۱۳۸۳، ص ۵۹.

۳. Islamizacija Bosne i Hercegovin., p. ۲۷

۴. آسایش، بی‌تا: ۱۲۱.

۱۳م، وارد بالکان شده و در شهر دوبروجا جامعه‌ای اسلامی مرکب از ۱۰-۱۲ هزار نفر به وجود آوردند. در پی فتح ادرنه مهاجرت مسلمانان ترک از آناتولی به روم ایلی (بخش اروپایی قلمرو عثمانی) شروع شد. عثمانی‌ها با مسیحیان و یهودیان ساکن در بالکان، به حکم اهل کتاب رفتار کردند و در این میان عده‌ی زیادی از مسیحیان مانند بوگومیل‌ها به دین اسلام گرویدند و فرومانروایان عثمانی حکومت خود را به عنوان پادشاهان اسلام در بلغارستان و صربستان تثبیت کردند. بایزید اول در ادامه سیاست پیشروی به اروپا، نواحی سیلیستره، والاشی (افلاق)، مولداوی (بوغدان)، ویدین در مجارستان، بوسنی و آلبانی را تصرف کرد و ساریوو، مرکز نواحی مرزی مجارستان شد و مسلمان‌ها با قلمرو خاندان هابسبورگ همسایه شدند. بایزید با ساختن مساجد و اماکن مذهبی در شهرهای مختلف از جمله ادرنه، رواج اسلام را در این سرزمین‌ها سرعت بخشید.

بعد از فتوحات عثمانی در بالکان، مهاجرت‌های وسیع به این منطقه آغاز شد. آن‌ها در تراکیه و شرق شبه جزیره‌ی بالکان سکونت گزیده، صدها روستای جدید به وجود آوردند و نام سکونت‌گاه‌های کهن خود در آناتولی را به آنها دادند و به تدریج شماری از روستاییان مسیحی نیز به دین اسلام گرویدند. مسلمان‌ها همچنین شهرهایی را که در آنها ساکن می‌شدند، به شهرهای اسلامی تبدیل می‌کردند. وجود شمار بسیاری مسجد، مدرسه و سایر اماکن اسلامی در بلغارستان گسترش نفوذ اسلام در این منطقه را نشان می‌دهد. با این همه، امروز اسلام دومین دین بزرگ در شبه جزیره بالکان به حساب می‌آید و ۱۵٪ از جمعیت ساکن در آن‌جا مسلمان هستند که شمار آنها را ۹ میلیون نفر دانسته‌اند. اگر جمعیت مسلمان ساکن در بخش تراکیه ترکیه را نیز که جزئی از شبه جزیره بالکان است، در نظر بگیریم، شمار مسلمان‌ها بالغ بر ۱۵ میلیون نفر خواهد شد.^۱ اولین آثار و نشانه‌های اسلام و تمدن اسلامی در شبه جزیره بالکان به قبل از دوران قرون وسطی باز می‌گردد. همچنین ظهور اولین جوامع اسلامی مقارن است با نخستین

۱. موسوی بجنوردی، کاظم، کتاب اسلام، پژوهشی تاریخی و فرهنگی، انتشارات مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۵۴۵.

تاخت و تازه‌های قبایل اسلاو در شبه جزیره بالکان. محقق و دانشمند بوسنیایی آقای هادی‌جاهیچ می‌گوید: «عواملی وجود دارند که نشان می‌دهد ظهور مسیحیت در بالکان تقریباً مصادف با حضور اسلام است».^۱

فرقه‌های صوفیه و تکایا نیز از دیر زمان در منطقه بالکان به ویژه در کوزوو، مقدونیه، آلبانی، سنجاک صربستان، بلغارستان و مناطق همجوار آن وجود داشته‌اند. ظهور آنان مربوط به دوره پیش از حضور عثمانیان در منطقه بالکان است. آنها با استحکام حکومت عثمانی، عقیده خود را در این بخش شبه جزیره بالکان گسترش دادند.

در برخی نواحی از جمله کوزوو و کشور آلبانی تصوف هنوز هم به حیات خود ادامه می‌دهد و صوفیان به فعالیت‌های خود می‌پردازند. در مناطق مختلف «بالکان»، خانقاه‌هایی وجود دارد که بر سر در آن اشعار فارسی حکاکی شده و داخل صحن خانقاه‌ها مزین به احادیثی از امیرالمومنین و سایر معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. خانقاه‌ها و صوفیان، موجب محفوظ ماندن اسلام در این دیار بوده‌اند. بی‌تردید اسلامی که از سوی صوفیان تبلیغ و معرفی می‌شده، در طول تاریخ دارای انحرافات نیز بوده است.

در زمان کمونیست‌ها، یوگسلاوی سابق با داشتن ۹۲٪ مسلمان در کوزوو، ۵۰٪ مسلمان در مقدونیه، ۸۱٪ مسلمان در سنجاک، ۲۵٪ مسلمان در مونته‌نگرو و ۵۰٪ مسلمان در بوسنی و هرزگوین، مدت‌ها در سیطره آنان بود.^۲

بعد از فروپاشی کمونیسم و همچنین جنگ صرب‌ها علیه بوسنیایی‌ها، کشورهای اسلامی منطقه در صدد احیای هویت اسلامی خود بر آمدند که این امر موجب نگرانی غربی‌ها شده است. مقام معظم رهبری در پیام‌شان به کنگره حج فرمودند: پدید آمدن حداقل دو کشور مسلمان در اروپا یعنی بوسنی و هرزگوین و آلبانی، از هم اکنون موجب دغدغه دولت‌های اروپایی شده است.^۳

۱. ضیایی، ص ۸۳

۲. فتی مهدیو، نگاهی به آموزش اسلامی در کوزوو و مقدونیه، ترجمه خسرو محتشم؛ بالکان در آینه فرهنگ، انتشارات

الهدی، ۱۳۸۸، ص ۸۱

۳. (پیام رهبری به کنگره حج، ۱۳/۳/۱۳۷۱).

با وجود گسترش اسلام‌گرایی و ایجاد سازمان‌ها و نهادهای اسلامی در کشورهای منطقه، متأسفانه اسلام ستیزی و مقابله با مسلمانان و بانوان محجبه در اماکن عمومی و دولتی مشهود است.

مظاهر اعتقادی علویان منطقه بالکان: باور به پنج تن آل عبا که به نام «پنجه آل عبا» از آن یاد می‌کنند، اعتقاد به دوازده امام علیهم‌السلام، ارادت فراوان به امام حسین علیه‌السلام و برگزاری مراسم سوگواری عاشورا، احترام فراوان به امام صادق علیه‌السلام و نیز باور به تولی و تبری، از مظاهر اعتقادی آنان به تشیع است. مهم‌ترین اشکال علویان، عدم پایبندی عملی غالب آنان به شریعت است که ایشان را عملاً از امامیه جدا می‌کند. در میان معتقدات آنان ذکر نام دوازده امام نوعی عبادت تلقی شده و سخت‌بدان پایبند هستند. «ماتم عاشورا» هم که برگزاری آن به صورت سالانه در دوازده روز نخست محرم است، به طور جدی در میان آنان رواج دارد؛ جز آنکه آنان این دوازده روز را به نام دوازده امام روزه می‌گیرند. روزه آنان تحمل تشنگی به خاطر امام حسین علیه‌السلام است. در این ده روز، خطاب آنان به یکدیگر «یا امام» و «یا حسین» است. ادبیات سنتی و نوین علوی نیز همچنان حاوی صبغه شیعی آنان در ارتباط با امام علی علیه‌السلام و کربلاست. از دیگر نشانه‌های شعاری تشیع در میان آنان، نوعی هنر نقاشی است که تصاویر امامان را کشیده و در خانه‌ها و جمع‌خانه‌ها بادقت و احترام نگهداری می‌کنند. تصاویر یاد شده از کشور عثمانی به ایران وارد شد و مورد استقبال محدود قرار گرفت.^۱

۳. وضعیت شیعیان در برخی کشورهای بالکان

۳-۱. آلبانی

آلبانی کشوری است با مساحت ۲۸ هزار کیلومتر مربع که حدود سه و نیم میلیون نفر جمعیت دارد و از این تعداد حدود ۷۵ درصد پیرو دین اسلام هستند. ۲۵ درصد جمعیت نیز مسیحی هستند.

۱. جعفریان، رسول، اطلس شیعه، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸، ص ۶۵۵.

کشور آلبانی نزدیک به پنج قرن زیر نظر دولت عثمانی اداره می‌شد. در مدت این پنج قرن نسبت مسلمانان به ۹۵ درصد رسید. در آن زمان مساجد زیادی دایر و مراکز و موسساتی با هدف انتشار اسلام ایجاد شد. تشیع در آلبانی پیشرفت قابل توجهی داشته است؛ به طوری که امروز شیعیان (فرق علوی) بیش از ۴۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. عشق به اهل بیت علیهم‌السلام یک عقیده مشترک میان مردم این کشور است. حتی مسیحیان این کشور نیز از این عشق بی بهره نیستند.

در عاشورا مسلمانان، اعم از شیعه و سنی با هم به برگزاری مراسم عاشورا می‌پردازند. ده روز را با هم در این ایام روزه می‌گیرند و لباس سیاه بر تن می‌کنند. عشق به اهل بیت علیهم‌السلام تنها عامل حفظ اسلام در دوره نظام کمونیستی انورخواجه در آلبانی بود. وی در زمان حکومت خود، اقدام به ویرانی ۱۷۰۰ مسجد و ۲۰۰ حسینیه و مدرسه دینی کرد. در تمام کشور جز یک مسجد که مسجد مرکزی شهر بود، مسجد دیگری باقی نماند که البته آن را نیز به موزه تبدیل کرد. علاوه بر این، وی تمام کتاب‌های دینی را نابود کرده و در سال ۱۹۶۷ قانونی را صادر کرد که به موجب آن، داشتن اعتقادات دینی ممنوع اعلام شد و هر کس که یکی از شعایر دینی را برپا دارد، مثلا نماز بخواند یا روزه بگیرد و یا قرآن تلاوت کند و یا عکسی از امامان چاپ کند، به حبس تا ۲۰ سال محکوم می‌شد. با این وجود، بعدها شاهد بسیاری از بزرگان دینی و مردم عادی بودیم که به حبس تا ۲۰ سال محکوم شدند. جرم آنها این بود که کتاب اسلامی نگهداری می‌کردند یا در نهران نماز می‌خواندند. هزاران تن از مسلمانان به این اقدامات اعتراض کرده و کشته شدند.^۱

بعد از مرگ انور خواجه، مسلمانان و مردم آلبانی سر به شورش نهادند و نظام کمونیسم را برداشته و آزادی دینی و نظام جمهوری را اعلام نمودند. بعد از این اتفاقات بود که بسیاری از کشورهای مسلمان به کمک مسلمانان آلبانی شتافتند و مساجد زیادی را در آنجا بنا کردند. به طوری که در آن مدت حدود ۳۰۰ مسجد بازسازی و ده‌ها

مدرسه دینی ایجاد و به بسیاری از دانشجویان بورسیه داده شد تا در کشورهای اسلامی تحصیل کنند. تمام این فعالیت‌ها در جای خود از اهمیت زیادی برخوردار است؛ اما خطری که بسیاری از مسلمانان را تهدید می‌کند این است که در این بین گروه‌های تندروی تروریستی به وجود آمدند که با اهل بیت علیهم‌السلام و دوستان آنان دشمنی می‌کردند.

شیعیان نمی‌توانند مدارس جدید تاسیس کنند؛ اما در مساجدی که در اختیار دارند، به فعالیت می‌پردازند. واعظان و ائمه مساجد و تکیه‌ها سعی می‌کنند جای خالی کتاب و مدرسه را پر کنند و مردم را به حفظ دین و برپایی شعائر دینی دعوت می‌کنند. کتاب‌های نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و مجموعه آثاری در زمینه سیره و شخصیت امیرالمومنین علیه‌السلام و نیز غدیر خم و بسیاری کتب دینی دیگر توسط مسلمانان به زبان آلبانی ترجمه و چاپ شده است، اما با اینکه بیش از نیمی از مسلمانان این کشور پیرو مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هستند، نمی‌توان جای خالی مدارس دینی را که در آن تفکر اهل بیت و عقاید آنان تدریس می‌شود، نادیده گرفت.

برفراز کوه تومور در شرق آلبانی تکیه‌ای وجود دارد که اهالی اعتقاد دارند منسوب به حضرت عباس علیه‌السلام و در بین مسلمانان این سامان از حرمت کم‌نظیری برخوردار است و همه ساله مردم در ایام عاشورا در کنار این مکان مذهبی مراسمی را اجرا می‌کنند. علوی‌های آلبانی در طول دهه محرم به عنوان همدردی با لب تشنگان کربلا، آب نمی‌نوشند، زینت آلات را از خود دور کرده و برای ذکر مصائب شهدای کربلا رهسپار تکایا می‌شوند و در این مسیر فریاد وا اماما! وا اماما! سر می‌دهند.^۱ یکی از مشهورترین شاعران آلبانیایی که مصائب اهل بیت علیهم‌السلام و به خصوص عاشورا را سروده است، نعیم فراشری نام دارد. سروده‌های حماسی وی درباره کربلا در سال ۱۸۹۸ میلادی چاپ شد که حاوی ده هزار بیت شعر است. نعیم در این اشعار نوعی پیوند بین سرزمین خود و کربلا برقرار می‌کند و از مردم این کشور می‌خواهد که از حماسه کربلا برای دفاع از عقیده اسلامی و حفظ استقلال سرزمین الهام گیرند و شرافت و عزت

۱. محمد موفاکو، سروده حماسی کربلا زیباترین اثر ادبی آلبانی، ترجمه سعید خاکرند.

خود را از این راه بدست آورند. واقعه کربلا بر ادبیات آلبانی تأثیر بسیار عمیقی گذاشته و تنی چند از شاعران برجسته این دیار، ذوق شعری خویش را در خدمت ادبیات حماسی کربلا و در رثای امام حسین علیه السلام به کار گرفته‌اند.

در حال حاضر فعالان مسلمان آلبانی تعداد واقعی مسلمانان را حدود ۹۷٪ می‌دانند.^۱ مسلمانان آلبانی شامل سه گروه اهل تسنن، بکتاشی‌ها و علوی‌ها هستند. تقریباً ۴۵٪ جامعه مسلمانان از فرقه‌های علوی می‌باشند که نزدیک‌ترین آداب و رسوم را به شیعیان دارند.^۲ مسلمانان آلبانی، عمدتاً حنفی مذهب هستند. بر اساس آمار ۲۰۰۷م، ۷۰٪ جمعیت آلبانی را مسلمانان، ۲۰٪ را مسیحیان ارتدوکس و ۱۰٪ را مسیحیان کاتولیک تشکیل می‌دهند.^۳ طریقت‌های علوی یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نشر معارف دینی در آلبانی بوده و هستند. فرقه بکتاشیه بزرگترین طریقت علوی در آلبانی می‌باشد و اکنون ۱۸۰ تکیه فعال بکتاشی در آلبانی وجود دارد.^۴

بکتاشیه: پایه‌گذار این طریقت سید محمود رضوی معروف به حاجی بکتاش ولی (۶۴۶-۷۳۸ هجری قمری) از سادات رضوی و از مردم نیشابور بود. بنابر مشهور حاج بکتاش از نوادگان امام رضا علیه السلام بود و به امام صادق علیه السلام نیز ارادت فراوان داشت.^۵ طریقت بکتاشیه در آلبانی رواج بسیاری داشته و از دهه نخست قرن بیستم میلادی آلبانی به عنوان مرکز جهانی بکتاشیان شناخته شده است. این طریقت در بیشتر شهرهای آلبانی از جمله فوش کرویا، کوه کرویا، اسکارپارا، الباسان، کورچا، جیروکاسترا و دیبرا تکیه دارد که توسط باباها اداره می‌شوند. همه این تکایا تحت نظارت و رهبری مقر اصلی بکتاشیه واقع در تیرانا فعالیت دارند. طریقت بکتاشیه در بسیاری از شهرهای آلبانی و همچنین در مقدونیه و کوزوو نیز پیروانی دارد.

۱. مجله چشم انداز، سال اول، ص ۲۸، بهار ۱۳۸۸.

۲. کتاب سبز وزارت امور خارجه، آلبانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶.

۳. آلبانی، همان، ص ۱۵.

۴. همان، ص ۱۷.

۵. غلامعلی حداد عادل، دایرة المعارف جهان اسلام؛ جلد سوم، مدخل آلبانی و بکتاشیه.

بکتاشی‌ها دارای آداب و رسوم ویژه ای هستند که یکی از آنها مراسم عاشورا است. این مراسم در تکایای آلبانی برگزار می‌شود. در این مراسم، اشعاری درباره اهل بیت علیهم‌السلام، به ویژه امام حسین علیه‌السلام، به فارسی، ترکی و آلبانیایی خوانده می‌شود و در دهه اول محرم نیز هر روز مجلس ذکر برگزار می‌گردد.^۱

بکتاشیان و دیگر علویان آلبانی، در دهه اول محرم از خوردن گوشت، تخم‌مرغ، شیر و پنیر خودداری می‌کنند و در روز عاشورا غذایی شیرین از گندم، نشاسته، و دارچین به نام «عاشوره» بین مردم توزیع می‌کنند. بیش از صد تکیه که متعلق به علویان است در آلبانی مراسم دهه ماتم را برگزار می‌کنند.

در گذشته ارتباط بکتاشیان آلبانی با هم‌کیشان خود در عراق بسیار بوده است. آنها مدت طولانی حدود سه سال را در کنار مزار امام حسین و امیرالمومنین علیهم‌السلام سپری می‌نمودند. همچنین باباها و دراویش عراقی نیز به تکایای بکتاشیه در آلبانی می‌آمدند و مدت‌ها آنجا می‌ماندند. (نمونه آن حوادثی است که برای یکی از دراویش به نام بابا عبدالمومن در کربلا در قرن دهم هجری پیش آمد و به واسطه کرامت‌هایی که مردم از او دیدند موجب ترفیع درجه و تثبیت تکیه او نزد دولت عثمانی در کربلا شده بود).

فرقه بکتاشیه نشریه‌ای به نام حکمت، مشتمل بر مقالات و مطالبی در مورد اهل بیت علیهم‌السلام، شخصیت‌های بکتاشی، تکایا و... دارد که به صورت ماهنامه چاپ می‌شود. علاوه بر این تاکنون کتاب‌هایی در مورد اهل بیت علیهم‌السلام و زندگی آنان به زبان آلبانیایی توسط این فرقه، به چاپ رسیده است. رهبر این فرقه از جایگاه مهمی نزد مقامات و شخصیت‌های این کشور برخوردار است و مسئولان کشوری، اعم از رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزرا، رئیس پارلمان و... در مراسم‌های ویژه بکتاشیه خصوصاً در روز عاشورا و روز سلطان نوروز (ولادت حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام) شرکت می‌کنند و احترام خاصی برای او قائل هستند.

این فرقه معتقدند روز ۲۲ مارس روز تولد امیرالمومنین علیه‌السلام است (مصادف با روز

۱. مشاهدات عینی نگارنده در منطقه.

اول یا دوم فروردین) و به همین مناسبت، جشنی به نام «سلطان نوروز» برگزار می‌کنند. مراسم سلطان نوروز بکتاشی‌ها که در آلبانی و بالکان در روزهای بهار برگزار می‌شود، حاکی از اهمیت ویژه این جشن است.

عقاید بکتاشیان: طرفداران این طریقت، معتقد به حضرت رسول اکرم ﷺ و دوازده امام شیعیان علیهم‌السلام بوده و به انتظار ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام هستند. به عقیده آنان «حق»، «محمد» و «علی»، سه صورت برای بیان یک حقیقت هستند. محبت به اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام، خصوصا امام علی علیه‌السلام، در سرلوحه عقاید بکتاشیه قرار دارد. به نظر بکتاشیان، بعضی از آیین‌ها جای عبادت‌های شرعی را می‌گیرند؛ مانند: هر صبح و شام صلوات فرستادن بر دوازده امام، خواندن دعای «ناد علی» و خودداری از نوشیدن آب در دهه اول محرم و مواردی دیگر از این دست. البته اعتقاد آنان در این زمینه‌ها بیشتر باطنی است تا ظاهری، و این نقطه تفاوت بکتاشیان با دیگر مسلمانان است.

۲-۳. بلغارستان

حدود نه میلیون نفر در بلغارستان زندگی می‌کنند که نزدیک به دو میلیون نفر از آنها مسلمان هستند. تا قبل از استقلال بلغارستان، مسلمانان دارای اکثریت بودند، اما بعد از استقلال تعداد زیادی از آنها مجبور شدند بلغارستان را ترک کنند. در نتیجه تعداد مسلمانان کمتر شد و اسلام تنها در میان ترکان باقی ماند. بیشتر مسلمانان متدین به مذهب اهل تسنن هستند، اما در کنار آنها شیعیان نیز زندگی می‌کنند. متأسفانه آمارهایی که در این باره وجود دارد، مربوط به ده سال قبل است که جمعیت شیعیان را تنها ۹۰ هزار تن اعلام کرده و در شهرهای رازگرد، توتارکان و سیلون زندگی می‌کنند. امروز نسبت زاد و ولد میان مسلمانان افزایش یافته است و انتظار می‌رود که بسیار بیشتر از این ارقامی باشند که ذکر شده است.

در گذشته، مسلمانان این کشور دارای مشکلات فراوانی بودند. آنان حق نداشتند شعایر دینی خود را اقامه کنند. دین همیشه از سوی نظام کمونیسم در معرض حملات شدید بود. کمونیسم وارد کردن قرآن کریم را ممنوع اعلام کرده بود. همچنین هیچ کس حق نداشت سایر کتب دینی را در خانه خود نگهداری کند. نام‌های اسلامی آنان از

شناسنامه‌ها حذف شد و مجبور شدند نام‌های بلغاری اختیار کنند. گروهی از آنها مجبور شدند بلغارستان را ترک کنند و گروهی دیگر در مناطق شبه متروکه ساکن شدند.

قبل از استیلاي کمونیسم نزدیک به ۱۲۰۰ مسجد در این کشور وجود داشت که در نتیجه حملات کمونیسم، برخی از آنها به موزه و برخی به کلیسا تبدیل و اغلب پلمپ شدند. مسلمانان حق نداشتند لباس اسلامی بپوشند و همچنین حق برگزاری اعیاد مذهبی خود را نیز نداشتند. هر مسجدی که امام آن فوت می‌کرد، تعطیل می‌شد و اگر مسجدی خراب می‌شد حق ترمیم آن را نداشتند و مسجد جدیدی نیز تاسیس نمی‌شد. کمونیسم به اینها بسنده نکرده و نزدیک به ۱۳۰۰ مدرسه اسلامی در سراسر کشور را تعطیل کرده و زمین آن را برای فعالیت‌های دیگر اختصاص داد. اما مسیحیان و دیگر ادیان آزادی دینی داشتند و می‌توانستند به راحتی شعائر دینی خود را اقامه کنند.

مشکلات مسلمانان تنها به موارد یاد شده محدود نمی‌شد. آنچه ذکر شد، تنها نمونه‌ای از هزار مشکلی بود که این اقلیت در زمان کمونیسم با آن درگیر بودند.

بر اثر مقاومت مسلمانان این کشور در مقابل اقدامات کمونیسم سیاست‌های حزب کمونیست بلغارستان، تغییر یافته و در ۸ دی ۱۳۶۸ / ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ کمیته مرکزی این حزب اعلام کرد: «مجبور کردن مسلمانان به ترک مذهب و انتخاب نام بلغاری یک اشتباه سیاسی وخیم بوده است» و رئیس مجلس بلغارستان گفت: «آزادی‌های قومی بی‌درنگ به مرحله اجرا گذاشته می‌شود و این آزادی‌ها شامل حق انجام فرایض دینی اسلام نیز می‌باشد». با سقوط نظام کمونیسم، سازمان‌های اسلامی به راه افتاد و چندین دبیرستان اسلامی تاسیس شد. همین سازمان‌های اسلامی بودند که متکفل حقوق ۸۰۰ مدرس مدارس اسلامی شدند. هزار مسجد جدید ساختند.^۱

براساس یک تحقیق، دو گروه شیعه در بلغارستان وجود دارد:

۱. **قزلباش:** گروهی مذهبی است که بخش اعظم علویان در ترکیه و بلغارستان را تشکیل می‌دهد. تعداد آنان در دو کشور به ۱۵ میلیون نفر می‌رسد. واژه قزلباش از ترکی

۱. گزارشی از وضع اسلام و شیعیان در بلغارستان، سایت شفقنا، فروردین ۱۳۹۱.

گرفته شده و به معنی کلاه قرمزی است که ۱۲ نوار قرمز به عنوان ۱۲ امام بر روی کلاه خود نصب کرده‌اند. در سال ۲۰۰۱ حدود ۵۳ هزار قزلباش در بلغارستان زندگی می‌کردند. قزلباش‌ها به خاطر عقایدشان از سوی ترکان عثمانی به عنوان دشمن تلقی شده و تحت تعقیب قرار گرفتند، دهها هزار نفر آنها کشته شده و بخش عظیمی از آنها به بخش شرقی شبه جزیره بالکان مهاجرت کردند. بررسی و مشاهده رفتارهای اقلیت تهتاسی^۱ در آسیا توسط فلکس ون لوسچن^۲ محتوی اشاره به برخی از وابستگیهای دینی و قومی آنها است. او اظهار داشته است که قزلباش‌ها «کلاه‌های قرمز به سر می‌نهادند تا از بقیه ترک‌ها که کلاه سفید بر سر می‌نهادند، متمایز باشند. آنها شیعه یا فرقه علوی هستند»^۳.

۲. **بکتاش:** گروه دیگری از علویان هستند که با دراویش صوفی پیوند خورده و با جامعه مذهبیبون بالکان در قرن ۱۵ میلادی متحد گردیدند. این گروه از طرف دولت عثمانی به رسمیت شناخته شدند. بکتاشی‌ها در تربیت جوانان در اردوگاه‌های «ینی چری» متعلق به ترکان عثمانی شرکت کردند. پس از انحلال این اردوگاه‌ها در قرن ۱۹ میلادی و نابود شدن بخش اعظم دراویش بکتاشی، بخش کمی از آنان به آلبانی مهاجرت کردند.^۴ در حدود ۱۲۰ هزار شیعه و علوی مسلمان، عمدتاً در مناطق رازگرا، اسلیون و توتراکان (شمال روسه) حضور دارند. شیعیان با حزب جنبش حقوق و آزادی‌ها به رهبری احمد دوگان همکاری می‌کنند و دارای ۳۷ نماینده از ۲۴۰ نماینده در مجلس بلغارستان هستند. اکثر مسلمانان این کشور ترک تبار بوده و از سوی ترکیه حمایت می‌شوند.^۵

۳-۳. بوسنی و هرزگوین علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اولین نشانه‌های اسلام در بوسنی به قرن هشتم باز می‌گردد. براساس همین آثار، در قرن دوازدهم میلادی نیز در شمال شرق بوسنی مناطق مسلمان‌نشین وجود داشته است،

۱. Tahtac

۲. FelixvonLuschan

۳. Luschan, F. v.: Völker, Rassen, Sprachen. Berlin ۱۹۲۲: ۱۹۲.

۴. وضعیت مسلمانان بلغارستان، سفارت جمهوری اسلامی ایران - صوفیا، بعد از ۲۰۰۵م.

۵. کتاب سبز وزارت امور خارجه، بلغارستان، ص ۲۵، پاییز ۱۳۸۷

اما تاریخ پیوسته و مستحکم اسلام در بوسنی از قرن پانزدهم آغاز شده است. در سال ۱۴۶۳ بوسنی تحت حکومت دولت عثمانی قرار گرفت و بخش عظیمی از مردم به اسلام گرویدند در جنگ جهانی دوم بیش از هشت درصد مسلمانان بوسنی (۷۵ هزار نفر) کشته شدند!^۱

با از هم فروپاشی یوگسلاوی، کرواسی، اسلوونی و بوسنی استقلال خود را اعلام کردند. کشورهای غربی در ششم آوریل ۱۹۹۲ استقلال بوسنی را به رسمیت شناختند و در همان روز تجاوز به بوسنی آغاز شد. سازمان ملل در ۲۲ ماه مه ۱۹۹۲ استقلال بوسنی را به رسمیت شناخت ولی تحریم تسلیحاتی، در حکم مرگ آنها بود چون، صرب‌ها با تحریم، برای ۶ - ۷ سال برای جنگ تسلیحات داشتند!^۲

طبق آمار دایره المعارف wikipedia یک درصد جمعیت بوسنی، یعنی بیش از چهل هزار نفر، شیعه می‌باشند که بیشتر آنها علوی هستند و تعداد کمی شیعه دوازده امامی می‌باشند. قبل از ورود ترک‌های عثمانی به منطقه شمار زیادی از مردم این منطقه مسلمان بوده‌اند و نخستین گروه مسلمانان این ناحیه که تحت تأثیر ایران قرار داشتند، شیعیان اسماعیلیه بودند.^۳

عرفان و تصوف در بوسنی در قیاس با سایر مناطق، به صورت فرهنگ بومی درآمده و جایگاه مهمی در دیدگاه‌های مذهبی مردم و نحوه تلقی آنها از اسلام کسب نمود؛ تا جایی که برخی از اصول و نشانه‌های صوفیان به عنوان نشانه‌های فرهنگی اسلامی در بالکان پذیرفته شده است. اصول و نشانه‌هایی از قبیل محبت اهل بیت علیهم‌السلام، تکریم ایام عاشورا، عبادات ویژه شب‌های قدر، مراسم ویژه شب بدر (جنگ بدر)، و مثنوی خوانی، برخی از نشانه‌های فرهنگ اسلامی هستند که تأثیر عرفان اسلامی - ایرانی نیز در آنها مشهود است.

۱. شناسنامه بوسنی و هرزگوین، محمد اسعدی، ۱۳۸۴، ص ۲۸ و ۳۳.

۲. اسعدی، همان، ص ۲۵.

۳. سایت خبرگزاری تقریب، بررسی روند شکل‌گیری هویت مسلمانان منطقه بالکان.

در دهه‌های گذشته، حرکت شیعه در بوسنی با شخصیتی به نام خانم ملکه صالح شروع می‌شود. او که در خانواده‌ای مسلمان متولد و بزرگ شده بود، اندکی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در دیداری از عراق و زیارت قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام، شیعه شده و با وقوع انقلاب اسلامی گرایش زیادی به تفکرات امام خمینی (ره) پیدا نمود. او در سطح محدود دست به تبلیغ شیعه زد که حاصل آن در واپسین سال‌های حکومت کمونیستی، تشکیل یک گروه کوچک فرهنگی به نام «صف» بوده که در آن، تشیع تبلیغ می‌شد.

دراویش و فرقه‌های صوفی در بوسنی: این گروه از جهات متعدد، به ویژه از جهت فکری، به شیعیان نزدیک‌اند و آشکارا دوستی خود به اهل بیت علیهم‌السلام را اظهار می‌کنند. همچنین ابراز علاقه و دوستی آنها به ایران و امام راحل (ره) قابل توجه است. با این وجود، آنان از جهت فکری و رفتاری کاملاً با دراویش سایر کشورهای اسلامی تفاوت دارند. این عده، افرادی خوش‌فکر، اجتماعی و متشجع هستند و با سایر مردم به لحاظ سبک عبادت در «تکیه» تفاوت دارند. تشکیلات آنها بدون هیچ‌گونه وابستگی به دولت و به طور مستقل عمل می‌کند و در میان طیف‌های مختلف مردم بوسنی - حتی در میان افراد غربگرا - از محبوبیت خوبی برخوردار است. همچنین علی‌رغم فرقه‌فرقه بودن دراویش، هماهنگی و دوستی خوبی میان اغلب شیوخ آنها برقرار است و زمینه‌های وحدت در میان آنان وجود دارد.

آنچه قابل توجه است و همچنین تعامل فرهنگی میان ایران و بوسنی را سهل‌تر ساخته، ارتباطی است که میان روح حاکم بر فضای تفکر کلی مردم مسلمان بوسنی با تفکر شیعی، به‌ویژه از جهت خرد ورزی، وجود دارد. هفتاد درصد نسلی که جنگ را کاملاً درک کرده، کمک‌های انسان‌دوستانه جمهوری اسلامی ایران به بوسنی را همچنان به‌خاطر دارند و از این جهت، نسبت به ایرانیان احساس دین و به آنها احترام می‌کنند. اما در میان نسل جدید این موضوع، رو به فراموشی است.

۳-۴. ترکیه

از جمعیت ۷۳ میلیونی ترکیه، ۹۸٪ مسلمان و بیشتر آنها تابع مذهب تسنن هستند که از میان آنها، حنفی‌ها بزرگ‌ترین گروه محسوب می‌گردند و عمدتاً در مرکز و غرب

ترکیه سکونت دارند. جمعیت مالکیان و حنبلیان اندک و شافعیان بعد از حنفی‌ها قرار دارند. اکثر حنفیان ترک و اکثر شافعیان کرد هستند.

شیعیان و علویان اعتقاد به دوازده امام علیهم‌السلام دارند اما تقریباً چیزی به نام فقه در میان علویان وجود ندارد و بخشی از عقاید آنان با عقاید صوفیه آمیخته شده است. برخی تفاوت‌های فرهنگی نیز وجود دارد که طبیعی است. در حال حاضر بیش از بیست میلیون علوی در ترکیه زندگی می‌کنند که بیشتر آنان در مرکز و شرق کشور ساکن هستند.^۱ رهبران علویون را «دهه» می‌خوانند. بکناشیه که بیشتر خود را اهل سنت و جماعت می‌دانند، در عقاید بیشتر به غلات شیعه شباهت دارند. در سال‌های اخیر وجود علویان مورد توجه و حقوقشان مورد شناسایی نسبی قرار گرفته است.^۲

محل اصلی شیعیان ترکیه استان‌های قارص، ایغدیر و آغری در شرق ترکیه است برخی از آن‌ها به شهرهای بزرگ مثل استانبول مهاجرت نموده‌اند. طبق آمار مجلس ملی ترکیه جمعیت شیعیان ترکیه بالغ بر ۳ میلیون نفر است.^۳ در شهر بزرگ استانبول (۱۲ میلیون نفری) نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر شیعه زندگی می‌کنند که عموماً در منطقه حاکالی متمرکز هستند. در آنکارا حدود بیست هزار شیعه، تنها یک مسجد دارند که در خارج شهر واقع شده است.

در زمان خواجه علی، نوه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اهالی ترکیه با تشیع آشنا شدند.^۴ تاریخ شیعیان ترکیه با مهاجرت ترکان از آسیای میانه به سرزمین فعلی ترکیه و گرویدن بخش مهمی از ترکان به تشیع آغاز می‌شود.

در مجلس قانون‌گذاری ترکیه چند نماینده شیعه وجود دارد. در مسئولیت‌هایی چون ریاست شهرداری بعضی شهرها نیز از شیعه‌ها حضور دارند. تعداد پزشکان، مهندسان، صاحبان شرکت، معلمان و رؤسای محلات نیز قابل توجه است و این نشانگر حضور

۱. صلاح الدین اورگوندوز، سایت شیعه آنلاین.

۲. کتاب سبز وزارت امور خارجه، ترکیه، ص ۳۵، پاییز ۱۳۸۶

۳. صلاح الدین اورگوندوز، همان.

۴. محمدهادی فلاح زاده، آشنایی با ترکیه، سال ۱۳۸۴، ص ۷۷.

پررنگ شیعیان در جامعه ترکیه است. بیشتر شیعیان ترکیه وضع مالی و اقتصادی مناسبی ندارند و جزو طبقات محروم جامعه به شمار می‌آیند. شیعیان مهاجر در استانبول وضعیت اقتصادی خوبی دارند و برخی از این افراد عضو گروه زینبیه هستند در آنکارا بیشتر شیعیان کارمند دولت هستند.

بعد از ظلم و ستم عثمانی‌ها و کشتار علویان، آتاتورک با تشکیل دولت لائیک، به فشارها و تعصبات ضد علویان پایان بخشید و علویان با تشکیل جمع خانه، به عبادات خود پرداختند. رئیس کنونی علویان، پرفسور دکتر عزالدین دوغان است.

سیصد مسجد بزرگ و کوچک در نقاط مختلف کشور فعال است. تنها در استانبول نزدیک به چهل مسجد متعلق به شیعیان وجود دارد.^۱ از مهم‌ترین مساجد شیعیان در استانبول، می‌توان به «مسجد والده خان» و مسجد گروه زینبیه در استانبول «حالکالی» نام دارد. در شهر ایغدیر که در شرق ترکیه است ۶۰٪ جمعیت، شیعه آذری زبان هستند. شیعیان این شهر، یک کتابخانه به نام طه و یک روزنامه به نام «علمدار» در اختیار دارند.^۲ در این شهر ۹ مسجد متعلق به شیعیان وجود دارد. ایغدیر دارای ۳۰ روستای شیعه نشین است که همگی دارای مسجد هستند. یک کانال تلویزیونی محلی به نام «ایغدیرین سسی» وجود دارد که در دست آذری‌هاست. شهر ایغدیر در عاشورا با تعطیلی گسترده مدارس دولتی، اتوبوسرانی و شبکه‌های تلویزیونی آن شهر همراه است.^۳

- مؤسسه فرهنگی کوثر اولین مؤسسه فرهنگی رسمی شیعیان ترکیه است که فعالیت خود را از سال ۱۹۹۲ میلادی در استانبول به مدیریت یک هیئت ۱۲ نفره آغاز کرد. فعالیت عمده این مؤسسه چاپ کتاب و مجله به زبان ترکی است.

- مرکز بین‌المللی زنان شیعی ترکیه در استانبول به نام «زن دانا» به مدیریت فاطمه انورشان. - انجمن معرفی، تحقیقات و آموزش مذهب جعفری یا انجمن جعفریان.

۱. صلاح الدین اورگوندوز، همان.

۲. جعفریان، همان، ص ۶۴۷.

۳. همان، ۶۴۹.

فعال‌ترین گروه‌های شیعی، جماعت زینبیه شیعه هستند. آنها در شبکه‌های خصوصی ترکیه با جوانان صحبت می‌کنند و مناظره پخش می‌کنند.

آمار علویان ترکیه: درباره جمعیت علویان آمارهای متفاوتی وجود دارد و مانند هر نقطه دیگری این قبیل آمارها گرفتار افراط و تفریط است. «رضا زیلوت» محقق علوی، شمار علویان را یک سوم جمعیت ترکیه می‌داند. «حامد بالمیر» و «ضا یوروک اوغلو» (محققان ترک) شمار آنان را بیست میلیون، «عزالدین دوغان» رئیس اوقاف جم (نهاد مربوط به علویان) ۲۵ میلیون، و «ائول بالت» (یک محقق غیر ترک) جمعیت آنان را ده تا بیست درصد جمعیت ترکیه می‌داند.^۱

آمارهای غیررسمی گویای آن است که نزدیک به ۲۰ میلیون شیعی معادل یک چهارم کل جمعیت در ترکیه زندگی می‌کنند که از این میان ۷۰ درصد آنها علوی، ۲۵ درصد اثنا عشری و ۵ درصد باقی مانده گروه‌های دیگر شیعی هستند که اغلب در شمال شرق ترکیه متمرکز شده‌اند. البته منابع خبری موثقی وجود دارند که اعلام می‌کنند شیعیان علوی ترکیه ۲۰ میلیون و شیعیان جعفری ۴ میلیون نفر هستند که در مجموع ۲۴ میلیون نفر می‌شوند.

ارتباط علویان و جعفریان با سازمان دیانت: سازمان دیانت در ترکیه به عنوان تنها سازمان متولی کلیه امور دینی ترکیه مطرح است. بدین ترتیب امور دینی در کشور لائیک ترکیه کاملاً تحت نظارت و کنترل دولت درآمده است. گرچه غالب مردم ترکیه سنی‌مذهب هستند، اما اقلیت‌های علوی (با جمعیت قابل توجه ۲۰ میلیونی)، شیعیان (در ترکیه با عنوان جعفری)، ارامنه، یزیدیان و مسیحیان ارتدکس از دیگر اقلیت‌های ترکیه هستند که البته هیچ‌یک تحت پوشش یا حمایت سازمان دیانت نیستند. به عبارت دیگر سازمان دیانت تنها متولی اهل سنت است.

علویان معتقدند حقوق دینی آنها در طول تاریخ از آنان سلب شده است، و در

حال حاضر آن را از دولت ترکیه مطالبه می‌کنند. بخشی از این حقوق مربوط به سازمان دیانت می‌شود. چرا که هیچ‌گاه مراکز عبادتی علویان یعنی «جمع‌خانه»ها از سوی دولت ترکیه به عنوان مرکز عبادی به رسمیت شناخته نشده است. لذا هیچ‌گونه حمایتی نیز از این مراکز عبادی صورت نمی‌گیرد و جمع‌خانه‌ها با هزینه‌های شخصی علویان اداره می‌شود و اداره‌کنندگان آن حقوقی از سازمان دیانت دریافت نمی‌کنند. علویان اصرار دارند تا جمع‌خانه‌ها به عنوان مراکز عبادی به رسمیت شناخته شده و خدماتی که از سوی سازمان دیانت به مساجد ارائه می‌شود شامل جمع‌خانه‌ها نیز گردد. این مسأله در کنار دیگر مطالبات علویان از دولت همواره موجب تنش‌هایی شده است.

بر خلاف علویان، شیعیان (جعفری‌ها) همواره می‌کوشند تا از نفوذ سازمان دیانت در امور مساجد آن‌ها جلوگیری کنند. روحانیان شیعه از عضویت در سازمان دیانت جلوگیری می‌کنند و عقیده دارند که مساجد شیعیان، باید مستقل از سازمان دیانت فعالیت کنند. دلیل این امر، بیم از حکومتی شدن فرهنگ جعفری است. این مسأله به روشنی از سوی صلاح‌الدین اوزگوندوز رهبر بخش مهمی از شیعیان ترکیه که تحت عنوان «انجمن زینبیه» فعالیت می‌کنند مطرح شد. وی در واکنش نسبت به تصمیم سازمان دیانت مبنی بر به استخدام درآمدن روحانیان و شخصیت‌های مذهبی مذاهبی هم‌چون شافعیان، جعفری‌ها، نقشبندی‌ها و مساجد تحت اداره نورچی‌ها گفت: «قبل از هر چیز باید دغدغه‌های ما از بین برود. باید ضمانتی قانونی مبنی بر عدم حکومتی شدن جعفری‌ها در سازمان دیانت داده شود. پس از آن می‌توان بر روی جزئیات کار صحبت کرد.» به عقیده شیعیان ترکیه، عضویت یک روحانی شیعی در سازمان دیانت، به عنوان توهینی به هویت دینی شیعیان مطرح است و عالمانی که با سازمان دیانت همکاری کنند به شدت از سوی جامعه شیعی طرد می‌شوند. این‌گونه است که سازمان دیانت هنوز نتوانسته است اداره امور مساجد شیعیان را در دست بگیرد.^۱

شیعیان ترک که در تمام ترکیه پخش شده‌اند دارای فعالیت‌های وسیعی هستند، آنها

۱. پایگاه تحلیلی دین پژوهی دین آنلاین ۱۳۹۲/۴/۱۶.

تا قبل از این مجله‌ای به نام «عاشورا» منتشر می‌کردند که اخیراً مجلات دیگری همچون «علمدار» به آن افزوده شده است. در سال ۱۹۸۹ در استانبول تنها یک مسجد مخصوص شیعیان وجود داشت که البته توسط ایرانیان ساکن ترکیه ساخته شده بود، اما امروز در استانبول ۳۰ مسجد شیعی و در تمام سطح ترکیه ۲۵۰ مسجد مختص شیعیان ساخته شده است. شیعیان ترکیه در تلاش هستند تا روز دهم محرم را به عنوان یک روز تعطیل در تقویم ترکیه ثبت کنند.

۳-۵. کوزوو

حدود ۹۵ درصد از جمعیت کوزوو، مسلمان است که بین ۳۰ تا ۳۵ درصد آنها را فرق مختلف اهل تصوف (اهل بیته) از قبیل بکتاشیه، خلوتیه، سعدیه، رفاعیه، قادریه، و... تشکیل می‌دهند. حدود ۶۰٪ مردم از فرق اهل سنت مانند: حنفی، مالکی و... می‌باشند. شیعیان (غیر صوفی) حدود ۵۰۰ نفر می‌باشند که عمدتاً در شهر پریزرن مستقر هستند و دارای حسینیه بوده که در آن طبق مذهب شیعه نماز برگزار می‌کنند.^۱ با وجود این که بیش از ۲۵٪ جمعیت کوزوو از لحاظ اعتقادی شیعه بوده و امامان معصوم علیهم‌السلام را قبول دارند، در عمل مانند سنی‌ها می‌باشند، به عنوان مثال، نماز را به سبک اهل تسنن می‌خوانند و به خودشان لقب شیعه طریقتی داده‌اند. روستای نسالسه با جمعیتی قریب به ۲ هزار نفر، که خود را شیعه جعفری می‌نامند، در ۶ کیلومتری شهرستان بویانواتس در جنوب شرقی کوزوو قرار دارد.^۲

انجمن و حسینیه اهل بیت علیهم‌السلام توسط شمار اندکی از شیعیان پریزرن و دوستانشان انقلاب اسلامی حدود سال ۱۳۷۰ش تشکیل شده است و تا کنون فعالیت خوبی در زمینه انتشار کتاب داشته، نهج البلاغه را به زبان آلبانیایی ترجمه کرده است، این گروه از شیعیان ارتباط بسیار خوبی با نهادهای ایرانی مستقر در منطقه بالکان دارند.^۳

۱. مشاهدات عینی نگارنده در منطقه.

۲. سید حسین موسوی، حرمت عاشورا در میان شیعیان آلبانیایی تبار کوزوو، ص ۴۳.

۳. عبدالعظیم قشقاوی، جزوه نکاتی پیرامون کوزوو، ص ۳، سال ۱۳۷۹.

با فرا رسیدن ماه محرم، انبوهی از شیعیان کوزوو با برگزاری مراسم سوگواری سالار شهیدان به سوگ می‌نشینند. آبادی نسالسه با سکنه‌ای در حدود دوهزار نفر در شش کیلومتری شهر بویانواتس واقع در جنوب شرقی کوزوو قرار دارد، اهالی این منطقه که شیعه جعفری هستند مراسم عاشورا را به طور چشمگیری برگزار می‌کنند و برای این منظور در تنها تکیه این روستا گرد هم می‌آیند این تکیه قدمتی دویست ساله دارد و هفت متر مربع مساحت آن است و مردم از اطراف و اکناف برای دعا و ادای نذورات بدین مکان می‌آیند. روز عاشورا مردم طبق رسوم گذشته به همراه شیخ آیت شعبان - که روحانی فاضل، خوش اخلاق و با نفوذی است و به اهل بیت علیهم‌السلام ارادت دارد - و کهن‌سال ترین زن محل به زیارت قبور مدفونین در تکیه مزبور می‌روند؛ زیرا در آنجا تعدادی از عرفای مورد احترام و دارای منزلت معنوی دفن هستند، آنان برای این در گذشتگان دعا می‌خوانند و در کنار هر کدام از قبور شمعی روشن می‌کنند.

اجرای مراسم عاشورا در منطقه: همه اهالی منطقه، اعم از جوان و پیر و کوچک و بزرگ به طور منظم گرد هم می‌آیند و اذکاری را زیر لب زمزمه می‌کنند. در بخشی هایی از برنامه، افرادی در ضمن کوبیدن طبل، اشعاری حاوی اوضاع عاشورای سال ۶۱ هجری را می‌خوانند که در بین اشعار فریاد «یا حسین»، سر می‌دهند این مراسم تا حوالی اذان صبح ادامه دارد و با خواندن دعای توسل به چهارده معصوم علیهم‌السلام مراسم خاتمه می‌یابد. شایان ذکر است که هدایت این مجالس و مرثیه خوانی های آن را جوانان تحصیل کرده و اشخاص دانشگاهی بر عهده دارند و بانوان به سهم خود در تهیه و تدارک این سنت‌های عاشورایی شریکند.^۱

پیروان فرقه رفاعیه، از مشهورترین طوایف اهل عرفان در بالکان هستند که در شهرهای پریزرن و اوراخوواتس در ایالت کوزوو، تمرکز بیشتری دارند و همه ساله از آغاز تا دهم محرم با نصب پارچه های سیاه رنگ در تکیه های ویژه خود، مراسم

۱. آداب و رسوم دینی عاشورا در نزد مسلمانان بالکان، عدنان بوسولاجیچ، نشریه "مطالعات مردم‌شناسی در کرواسی" - صفحه ۲۷۵ تا ۲۸۳ - شماره ۱۴ و ۱۵، کرواسی.

عزاداری برپا می‌کنند و در طول محرم علاوه بر امساک از غذا خوردن، شب‌ها بعد از اقامه نماز جماعت تا پاسی از شب به نوحه خوانی و ماتم سرایی و بیان حوادث کربلا می‌پردازند. در روز عاشورا، سوگواران طبق آدابی ویژه، اطعام می‌شوند. اقامه عزاداری در دهه اول محرم بین افراد این فرقه به مراسم ماتم مشهور است و بر پیروان آن واجب می‌باشد علت تأکید بر نوحه خوانی و اهمیت خاص بر برپایی چنین مراسمی اگرچه ارادت به خاندان عترت است اما جهتی دیگر هم دارد و آن این است که مؤسس این فرقه (سید احمد رفاعی) که از حکما و علمای قرن دوازدهم هجری است، بر اساس شجره نامه‌ای به امام حسین علیه السلام منتسب است، افراد این فرقه در سال ۱۲۸۱ قمری به کوزوو آمده‌اند.

۳-۶. مقدونیه

جمهوری مقدونیه کشوری در منطقه بالکان در اروپا است که تا سال ۱۹۹۱ بخشی از کشور یوگسلاوی به حساب می‌آمد. این کشور از شمال با صربستان، از غرب با آلبانی، از جنوب با یونان و از شرق با بلغارستان همسایه است. جمعیت این کشور حدود دو میلیون و ۶۱ هزار نفر است. ۶۴ درصد جمعیت کشور، مقدونیه‌ای، ۲۵ درصد آلبانیایی و بقیه از نژادهای ترک، کولی و صربستانی هستند. نزدیک به ۶۵ درصد از جمعیت آن ارتدوکس مسیحی و ۳۳ درصد مسلمان هستند. زبان رسمی آن مقدونیه‌ای است. ده درصد از جمعیت مقدونیه را فرقه‌های علوی شامل بکتاشیه، خلوتیه، رفاعیه، قادریه، سهروردیه، تشکیل می‌دهند. در مقدونیه شهر مذهبی جالبی به نام «تترود» وجود دارد که در آن مظاهر دینی، بسیار غلبه دارد. تکایا و مساجد این شهر و نیز وجود محلاتی برای برگزاری مجالس سوگواری عاشورا از نفوذ فرهنگ تشیع در این سامان حکایت دارد. برپایی مراسم عاشورا در بین فرقه‌های (رفاعی، قادری، قادری - زنجیری، شازلی، سعدیه، بکتاشی و غیره) که گرایش شدید علوی - شیعی دارند، از سنن و عادات این مناطق است.

۷-۳. یونان

ورود اسلام به کشور یونان سابقه هزار ساله دارد. هنگامی که مسلمانان در سال ۶۵۳ میلادی جزیره «رودوس» را فتح کردند،^۱ اسلام به تدریج در این جزیره و نواحی اطراف اطراف آن گسترش یافت و ۴۷۰ سال در این منطقه حضور داشت. در سال ۱۹۲۲، یک چهارم جمعیت کشور یونان را مسلمانان تشکیل می‌دادند؛ اما شعله‌ور شدن جنگ میان ترک‌ها و یونانی‌ها و گسترش فضای کینه و نفرت میان این دو کشور، منجر به سرکوبی و آزار مسلمانان مقیم یونان گردید.

هم اکنون مطابق آمار دولتی ۱۳۰ هزار مسلمان در یونان وجود دارد که ۱/۳٪ کل جمعیت یونان را تشکیل می‌دهند و بیشتر آنها به زبان ترکی و لهجه پوماک صحبت می‌کنند. این مسلمانان از زمان حاکمیت عثمانی در یونان باقی مانده‌اند و مانند بقیه ترک تباران به اهل بیت علیهم‌السلام علاقه خاصی دارند. البته آمار غیر رسمی، تعداد مسلمانان را حدود ۲۰۰ هزار نفر اعلام می‌کند. هم اکنون در پارلمان یونان، دو نماینده از مناطق مسلمان نشین حضور دارند.

بر اساس آمار غیر رسمی، شیعیان مقیم یونان حدود هفت هزار نفر برآورد می‌شوند که بیش از ۹۰ درصد آنان در شهر آتن پایتخت یونان و بقیه در شهرهای بزرگ و کوچک اطراف آتن و یا دیگر شهرهای این کشور اقامت و به کار و زندگی اشتغال دارند.

شیعیان دارای دو انجمن بزرگ رسمی در شهر آتن هستند و یک نمازخانه وابسته به انجمن جعفری در شهر «تیون» واقع در جنوب و غرب یونان دارند. انجمن شیعیان تحت عنوان انجمن جعفری شیعیان پاکستانی بزرگترین انجمن شیعی در شهر آتن پایتخت یونان است و در جنوب و غرب شهر آتن در منطقه پریستری مستقر هستند و به فعالیت های مختلف می‌پردازند. انجمن گلزار زینب (علیها سلام) در غرب شهر آتن مستقر است و دومین انجمن بزرگ شیعیان محسوب می‌شود.

علاوه بر این دو انجمن بزرگ، انجمن مهدیه شیعیان افغانی‌های مقیم یونان و شیعیان پاکستان نیز فعال است و از نظر تعداد افرادی که در برنامه‌های مذهبی در این محل تجمع می‌کنند، از دو انجمن ذکر شده، بیشتر هستند. شایان ذکر است در مراسم ایام محرم به ویژه در عزاداری‌های تاسوعا و عاشورا بیش از سه هزار نفر در این مراسم معنوی شرکت می‌کنند.

بیش از صد هزار نفر از جمعیت ۱۱ میلیونی یونان را مسلمانان تشکیل می‌دهند و مسلمانان این کشور با پرهیز از اختلافات قومی و مذهبی، برنامه‌های مشترک و باشکوه اسلامی را بر پا می‌کنند. حدود ۱۰ درصد از مسلمانان یونان، شیعیان هستند که به دلیل برخی مهاجرت‌ها و برپایی اجتماعات منسجم، تعدادشان در حال افزایش است. هر چند، زمانی اکثریت جمعیت یونان را مسلمانان تشکیل می‌دادند اما امروز سیاست‌های در پیش گرفته شده توسط دولت یونان محدودیت‌های زیادی را برای این قشر به وجود آورده است. اسلام در یونان، سابقه‌ای طولانی دارد و به قرن سوم هجری و زمانی که مسلمانان به فتح برخی جزایر یونان پرداختند، باز می‌گردد. اسلام دوران درخشانی در یونان داشته است، تا جایی که در دوران حکومت عثمانیان تا زمان جنگ جهانی اول، بیشتر ساکنان یونان، یعنی ۶۸ درصد آنها مسلمان بوده‌اند. اما در حال حاضر با توجه به فشارها و محدودیت‌هایی که مسلمانان یونان با آن روبرو هستند، به اقلیتی کوچک تبدیل شده‌اند. به طور کلی سیاست‌های در پیش گرفته شده در این کشور که با هدف حذف اقلیت مسلمان صورت می‌گیرد از گسترش اسلام در این سرزمین جلوگیری کرده است. تقلیل تعداد مسلمانان از حدود ۶۸ درصد در زمان استقرار حکومت امپراتوری عثمانی و قبل از جنگ جهانی اول، به ۱,۳ درصد، نشان از میزان فشارهایی دارد که از سوی غرب به مسلمانان وارد شده است. با وجود سیاست‌های اسلام ستیزانه در این کشور، کسانی که با حقیقت اسلام ناب آشنا شده‌اند، به سمت این دین آسمانی گرایش

پیدا کرده اند، به طوری که به گفته رایزن فرهنگی ایران در آتن تا کنون شهروندان اروپایی و غیراروپایی قابل توجهی به دین اسلام و مذهب تشیع گرویده‌اند.^۱

نتیجه

با وجود اکثریت مسیحی در بالکان، مسلمانان زیادی در منطقه وجود دارند که جمعیت زیادی از آنان را پیروان فرقه‌های علوی تشکیل می‌دهند. این افراد که در برخی کشورها حضور پررنگ‌تری داشته و دارای ظرفیتهای فراوانی می‌باشند، از جمله تکریم حضرت امیرالمومنین و امام حسین و سایر معصومین علیهم‌السلام و برگزاری مراسم دینی که در بیشتر مناطق کشورهای بالکان در بین علویان اجرا می‌گردد. این گروه نقش برجسته‌ای در هویت‌یابی مسلمانان منطقه بالکان ایفاء نموده و به همین دلیل، قدرت‌های فرامنطقه‌ای با قلمداد نمودن آنها به عنوان فرصت/ تهدید، درصدد بهره‌مندی از این موقعیت برآمده‌اند و از این روی جمهوری اسلامی ایران می‌بایست ضمن حفظ هویت اسلامی در منطقه و انجام اقدامات تبلیغی، فرهنگی و امور عام‌المنفعه، با اتکاء به نقاط مشترکی چون احترام به اهل بیت علیهم‌السلام حفظ ارزش‌های اسلامی، اهمیت به معنویت، علاقه‌مندی به آثار و حکمای ایرانی و زبان فارسی، استعمار ستیزی و ... در راستای تامین منافع اسلامی، با توجه به جایگاه فرهنگ ایرانی اسلامی در منطقه و انگاره‌های مشترک بین علویان و شیعیان، برنامه‌های متناسب با این ظرفیت‌ها را اجرایی کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

۱. آسایش، محمد جواد و آقا رضی رضا، تاریخ مسلمانان در یوگسلاوی و جنگ در بوسنی و هرزگوین، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۲. استیون ورتووک، سری پیچ، اسلام در اروپا، ترجمه کاووس سید امامی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰.
۳. اسعدی، محمد، شناسنامه بوسنی و هرزگوین، جامعه المصطفی (ص)، زمستان ۱۳۸۴.
۴. برنارد لوئیس، نخستین مسلمانان در اروپا، ترجمه م. م. قائد، نشر مرکز، سال ۱۳۷۴.
۵. بی نا، جنبش اسلامی مردم بوسنی و هرزگوین، خبرگزاری تقریب، مرداد ۱۳۸۸.
۶. بی نا، اخبار ملل، شماره ۱۰، مرداد و شهریور ۱۳۸۵ ش.
۷. بی نا، مجله چشم انداز، سال اول، بهار ۱۳۸۸ ش.
۸. بی تا، نورجان آلتون، عضو مؤسسه کوثر، سایت استوا.
۹. ترایان استویا نوویچ، مقاله مطالبی درباره بالکان، مجله کنیژونی گلاسنیک - مارس و آوریل ۲۰۰۱، چاپ بلگراد،
۱۰. جعفریان، رسول، اطلس شیعه، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸.
۱۱. حداد عادل، غلامعلی، دایرة المعارف جهان اسلام، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، جلد سوم،
۱۲. ضیایی، علی اکبر، سرزمین عقاب ها، بنیاد اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
- فانی، کامران، دانشنامه دانش گستر، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ۱۳.
۱۴. فتی مهدیو، مقاله نگاهی به آموزش اسلامی در کوزوو و مقدونیه، ترجمه خسرو محتشم؛ بالکان در آینه فرهنگ، انتشارات الهدی، ۱۳۸۸.
۱۵. فلاح زاده، محمدهادی، آشنایی با ترکیه، ۱۳۸۴.
۱۶. قربانپور، محمد، اسلام و مسلمانان بالکان، طوبای محبت، ۱۳۹۱.
۱۷. قشقووی، عبدالعظیم، بوسنی، بهمن ۱۳۷۹.
۱۸. کتاب سبز وزارت امور خارجه، بلغارستان، پاییز ۱۳۸۷ ش.
۱۹. کتاب سبز وزارت امور خارجه، ترکیه، پاییز ۱۳۸۶.
۲۰. کتاب سبز وزارت امور خارجه، آلبانی، ۱۳۸۶.
۲۱. کتانی، علی، اقلیت های مسلمان در جهان امروز، ترجمه محمد حسین آریا، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۲۲. موسوی بجنوردی، کاظم، کتاب اسلام، پژوهشی تاریخی و فرهنگی، انتشارات مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۳. موسوی بجنوردی، کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلام، ۱۳۸۰.
۲۴. موسوی، سید حسین، حرمت عاشورا در میان شیعیان آلبانیایی تبار کوزوو،
۲۵. موفاکو، محمد، سروده حماسی کربلا زیباترین اثر ادبی آلبانی، ترجمه سعید خاکرند.
۲۶. نصر اصفهانی، محمود، تاریخ مسلمانان بالکان، نشر آرام، ۱۳۸۱.

۲۷. وضعیت مسلمانان بلغارستان، سفارت جمهوری اسلامی ایران - صوفیا، بعد از ۲۰۰۵ م.
۲۸. یاشار رجب آگیچ، تصوف در بالکان، ترجمه جمشید معظمی گودرزی، بلغراد؛ رایزنی فرهنگی
ج.ا.ا، ۱۳۸۲

۲۹. یونان، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، نشر سه‌ره، سال ۱۳۹۰،
۳۰. بوسولاجیچ، عدنان، آداب و رسوم دینی عاشورا در نزد مسلمانان بالکان، نشریه مطالعات مردم
شناسی در کرواسی، ش ۱۴ - ۱۵، کرواسی.

۳۱. Enver Imamovic, *Korijeni Kulturno- Vjerriskih Odnosa Bosne I Herzegovin I Iran, Bosna Sovijet* (Sarajevo ۱۹۹۶),

۳۲. Luschan, F. v.: *Völker, Rassen, Sprachen*. Berlin ۱۹۲۲: ۱۹۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی